



### Analytical Typology of Applicability from the Viewpoint of Allamah Tabatabai

Dr. Muhammad Hadi Ghahari Kermani 

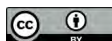
Assistant Professor, Shahid Bahonar University of Kerman

Email: [ghahari@uk.ac.ir](mailto:ghahari@uk.ac.ir)

#### Abstract

In many hadiths, the contents of the Quranic verses have been applied to instances and cases. This is considered as one of the most important reasons for the Quran's everlastingness. Allamah Tabatabai has, based on traditions, named this *jar-y* and *taṭbīq* (applicability). The main question is that according to Allamah Tabatabai, what types the narrations of applicability can be divided into. In this article, the traditions of applicability in *Al-Tafsīr al-Mizān* were examined with a descriptive and analytical method and it was found that these instances are of two general types: either they are cases of the time the verse was revealed, and there can also be similar cases for the verse that occur in the passage of time, or they are not cases of the time of revelation, but they are cases that occur in the passage of time. These two types, in turn, can be divided into three types which are respectively as follows: the internal instance of the verse at the time of revelation, the instance of absoluteness or generality at the time of revelation, the most perfect instance of absoluteness or generality at the time of revelation, the internal instance of the verse during the passage of time, the instance of absoluteness or generality in the passage of time, the most perfect instance of absoluteness or generality in the passage of time. Of course, in some cases, Allamah has also referred to the inner meaning of the verse as applicability.

**Keywords:** applicability, types of applicability, Allamah Tabatabai, *Al-Tafsīr al-Mizān*





سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۱ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۲۷۴ - ۲۵۱	شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۲۰
HomePage: <a href="https://jquran.um.ac.ir/">https://jquran.um.ac.ir/</a>	شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۴۱۹۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷
DOI: <a href="https://doi.org/10.22067/jquran.2023.71581.1146">https://doi.org/10.22067/jquran.2023.71581.1146</a>	نوع مقاله: پژوهشی

## گونه‌شناسی تحلیلی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی

دکتر محمدهادی قهاری کرمانی <sup>ib</sup>

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان

Email: ghahari@uk.ac.ir

### چکیده

در بسیاری از روایات، مفاد آیات قرآن بر مصادیق تطبیق شده است که این یکی از مهم‌ترین رموز جاودانگی قرآن به شمار می‌رود. علامه طباطبایی بر اساس روایات، از این عمل تحت عنوان جری و تطبیق یاد کرده است. سؤال اصلی آن است که از نگاه علامه طباطبایی، روایات جری و تطبیق به چه گونه‌هایی تقسیم‌شدنی است؟ روایات جری و تطبیق در تفسیر المیزان با روش توصیفی تحلیلی بررسی و مشخص شد که این مصادیق دو گونه کلی اند: یا از مصادیق زمان نزول آیه است و برای آیه، مصادیقی در گذر زمان وجود دارد که مشابه مصادیق آیه در زمان نزول است یا اینکه از مصادیق زمان نزول آیه نیست، بلکه از مصادیق در گذر زمان آیه به شمار می‌روند. هریک از دو گونه کلی یادشده، به سه گونه تقسیم‌شدنی است که به ترتیب عبارت‌اند از: مصادیق باطنی آیه در زمان نزول، مصادیق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول، مصادیق اتم اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول، مصادیق باطنی آیه در گذر زمان، مصادیق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، مصادیق اتم اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان. البته در مواردی، علامه بر معنای باطنی آیه نیز جری و تطبیق اطلاق کرده است.

**واژگان کلیدی:** جری و تطبیق، انواع جری و تطبیق، علامه طباطبایی، تفسیر المیزان.

## مقدمه

از ویژگی‌های قرآن کریم، جاودانه بودن آن است؛ زیرا سند کامل‌ترین ادیان آسمانی است که ناسخ تمام ادیان پیشین است و پاسخ‌گوی نیازهای بشریت در طول اعصار و قرون تا قیامت خواهد بود. معارف قرآن، مختص به عصر یا حال مخصوصی نیست. قرآن آنچه را فضیلت می‌خواند، در همه ادوار بشری فضیلت است و آنچه را ردیلت و ناپسند می‌شمرد، همیشه ناپسند و زشت است. همچنین آنچه از احکام عملی تشریح می‌کند، مخصوص عصر نزول و اشخاص آن عصر نیست؛ بلکه تشریحی است عمومی و جهانی و ابدی. بیانات قرآن عمومیت دارد و تعلیل‌های آن مطلق است. برای نمونه، ستایش یا نکوهشی که در حق جمعی از مؤمنان یا کافران وارد شده است و علت ستایش یا نکوهش ایشان، به سبب وجود صفات پسندیده یا ناپسند در آن‌ها ذکر شده باشد، در صورتی که همان صفات را در دیگران نیز می‌یابیم، نباید ستایش یا نکوهش را مخصوص همان افراد دانست. بنابراین، اگر در شأن نزول آیات، روایاتی آمده است که مثلاً می‌گوید آیه‌ای بعد از فلان جریان نازل شده یا آیاتی درباره شخص یا واقعه‌ای خاص نازل شده است، نباید حکم آیه را مخصوص آن واقعه و آن شخص بدانیم؛ زیرا اگر این‌گونه فکر کنیم، باید بعد از اتمام آن واقعه یا مرگ آن شخص، حکم آیه قرآن نیز برداشته شود، حال آنکه حکم آیه مطلق است.<sup>۱</sup> پس قرآن کتابی است که در غایب، همانند حاضر، جاری است و بر حال و آینده، همانند گذشته، جاری و منطبق می‌شود. همه احکام، قوانین، اوصاف و ویژگی‌های آن، فراتر از مرزهای مکانی و زمانی است. از این ویژگی قرآن کریم در روایات، به «جری» تعبیر شده است.<sup>۲</sup>

در بسیاری از روایات، مفاد آیات قرآن بر مصادیق تطبیق شده است. علامه طباطبایی از این‌گونه روایات، تحت‌عنوان جری و تطبیق یاد کرده است. البته وی، این اصطلاح را از روایات برداشت کرده است. سؤال اصلی این است که روایاتی که علامه طباطبایی بر آن‌ها جری و تطبیق اطلاق کرده است، به چه گونه‌هایی تقسیم می‌شوند؟ در راستای پاسخ به سؤال مذکور، ابتدا این دسته از روایات در تفسیر المیزان مطالعه و پس از تحلیل آن‌ها، گونه‌ها و انواع مختلف این روایات کشف شد که در ادامه، به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

در خصوص پیشینه این موضوع می‌توان به مواردی از این دست اشاره کرد:

علامه مجلسی، به جری و تطبیق اشاره کرده و چنین نگاشته است: «اگر آیه‌ای درباره قومی نازل شود،

۱. طباطبایی، المیزان، ۴۲/۱.

۲. جوادی آملی، تسنیم، ۱۶۷/۱.

حکم آن آیه درباره امثال آن قوم تا روز قیامت جریان دارد.<sup>۳</sup>

فیض کاشانی نیز درباره جری و تطبیق می‌نویسد: «احکام خداوند ناظر به حقایق کلی و مقامات نوعی است، نه ویژگی‌های فردی و شخصی. بنابراین، در جایی که به قومی خطابی شود یا عملی به ایشان نسبت داده شود، از نظر علما و خردمندان، هر آن کس که مانند آن قوم و طینت و سرشت آنان باشد، داخل در آن خطاب و عمل باشد.»<sup>۴</sup>

علامه طباطبایی به‌عنوان احیاگر جری و تطبیق، به‌صورت گسترده از آن در تفسیر المیزان استفاده کرده و با تکیه بر این قاعده، به تبیین آیات و روایات پرداخته و نیز با استناد به آن، به اشکالات مطرح‌شده پاسخ داده است.<sup>۵</sup>

در مقاله «جری و تطبیق در المیزان»، به بررسی جری و تطبیق در تفسیر المیزان پرداخته شده است.<sup>۶</sup> در فصل چهارم کتاب روش‌های تأویل قرآن، به تفصیل درباره جری و تطبیق قرآن بر اهل بیت (ع) و مخالفانشان بحث شده است.<sup>۷</sup>

مقاله «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق» درصدد است با استفاده از دلایل عقلی و نقلی، قاعده یادشده را اثبات کند.<sup>۸</sup>

مقاله «بررسی قاعده تفسیری جری و تطبیق با تأکید بر به‌کارگیری آن در سیره معصومان (ع)» می‌کوشد تا ابعاد مختلف این قاعده بررسی شود و نمونه‌های به‌کارگیری آن در سیره معصومان (ع)، گزارش و تبویب و تحلیل شود.<sup>۹</sup>

مقاله «جری و تطبیق، روش‌ها و مبانی آن» درصدد کشف انواع جری و تطبیق و نیز روش‌ها، مبانی و آسیب‌های این قاعده بر آمده است.<sup>۱۰</sup>

مقاله «جایگاه روایات جری و تطبیق در فرایند تفسیر قرآن»، به بیان شاخصه‌های روایات جری و تطبیق، اقسام روایات جری و بیان ارتباط آن‌ها با بطن و تأویل و تفسیر قرآن می‌پردازد.<sup>۱۱</sup>

مقاله «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی» به استخراج مبانی قاعده مذکور از منظر علامه

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ۳۴۵/۲۴.

۴. فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۲۶/۱.

۵. نک: نفیسی، علامه طباطبایی و حدیث، ۲۲۱ تا ۱۷۷؛ نصیری، رابطه متقابل کتاب و سنت، ۵۰۶ تا ۵۲۳.

۶. نک: نصیری، «جری و تطبیق در المیزان»، ۹۶ تا ۷۸.

۷. نک: شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ۱۴۷ تا ۲۰۴.

۸. نک: رضایی اصفهانی، «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق»، ۶۶ تا ۵۱.

۹. نک: نورایی، «بررسی قاعده تفسیری جری و تطبیق با تأکید بر به‌کارگیری آن در سیره معصومان (ع)»، ۴۴ تا ۳۱.

۱۰. نک: یزدان‌پناه، «جری و تطبیق، روش‌ها و مبانی آن»، ۳۲ تا ۷.

۱۱. نک: سلیمی زارع، «جایگاه روایات جری و تطبیق در فرایند تفسیر قرآن»، ۱۴۱ تا ۱۲۴.

طباطبایی می‌پردازد.<sup>۱۲</sup>

مقاله «جری و تطبیق در احادیث امام رضا(ع)»، به استخراج مواردی از قاعده جری و تطبیق در روایات نقل شده از امام رضا(ع) پرداخته است.<sup>۱۳</sup>

مقاله «روش‌های به‌کارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن»، به دنبال بررسی مفهوم و مصداق منطقی و روش تنقیح مناظر در قاعده جری و تطبیق است.<sup>۱۴</sup>

مقاله «مبانی ادبی و زبان‌شناختی جری و تطبیق در تفسیر قرآن» به استخراج مبانی این قاعده از جنبه ادبی و زبان‌شناختی پرداخته است.<sup>۱۵</sup>

مقاله «کاربرد جری و تطبیق در تفسیر قرآن» به تحلیل نسبت منطقی قاعده جری و تطبیق با اشکال مختلف فهم قرآن؛ یعنی تفسیر و تأویل و باطن می‌پردازد.<sup>۱۶</sup>

کتاب «معیارهای جری و تطبیق از نگاه علامه طباطبایی»، ضمن اشاره‌ای گذرا به اصول و مبانی جری و تطبیق از منظر علامه طباطبایی، معیارهای این قاعده از نگاه وی را استخراج و نمونه‌های روایی هر معیار را ارائه کرده است.<sup>۱۷</sup>

جنبه نوآوری جستار حاضر، کشف گونه‌های روایات جری و تطبیق از منظر علامه طباطبایی است.

## ۱. معنای لغوی جری و تطبیق

«جری»، به معنای روان شدن و جریان داشتن و حرکت منظم در طول زمان است. از این رو، این واژه برای حرکت کشتی، حرکت خورشید، وزیدن باد، دویدن اسب و روان شدن آب استفاده می‌شود.<sup>۱۸</sup>

«تطبیق»، از ریشه «طبق»، به معنای قرارگرفتن دو چیز بر هم و هم‌پوشانی کامل آن دو بر یکدیگر است.<sup>۱۹</sup>

## ۲. معنای اصطلاحی جری و تطبیق

علامه طباطبایی به‌عنوان احیاگر جری و تطبیق، در تعریف آن چنین نگاشته است: «مقصود از جری،

۱۲. نک: نفیسی، «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی»، ۲۶ تا ۲۵.

۱۳. نک: لکنزایی و قاسم‌نژاد، «جری و تطبیق در احادیث امام رضا(ع)»، ۱۸۵ تا ۱۹۴.

۱۴. رضایی کرمانی، «روش‌های به‌کارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن»، ۲۷ تا ۲۴.

۱۵. نک: راد و مؤمن‌نژاد، «مبانی ادبی و زبان‌شناختی جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، ۷۹ تا ۵۷.

۱۶. نک: مسعودی صدر، «کاربرد جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، ۱۵۳ تا ۱۷۵.

۱۷. نک: هاشمی نسلجی، معیارهای جری و تطبیق از نگاه علامه طباطبایی، ۱۷۲ تا ۱۷۱.

۱۸. نک: جوهری، الصحاح، ۲۳۱۰؛ فراهیدی، کتاب العین، ۱۷۴؛ راغب اصفهانی، المفردات، ۱۹۴؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۴/۱۴۰.

۱۹. راغب اصفهانی، المفردات، ۵۱۶؛ طریحی، مجمع البحرین، ۲۰۴/۵؛ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۷۷/۲.

این است که قرآن شریف از حیث انطباق بر مصادیق، وسعت داشته و به موارد نزول آیات اختصاص ندارد، بلکه در هر موردی که به لحاظ ملاک با مورد نزول متحد باشد، جاری می‌گردد؛ مانند مثل‌هایی که خاص موارد اولیه نیستند، بلکه در هر چیز که مناسبتش محفوظ باشد، جاری می‌شوند.<sup>۲۰</sup> وی در جای دیگری، از جری و تطبیق با عنوان الغای خصوصیت از مورد نزول آیه یاد کرده است.<sup>۲۱</sup>

همچنین علامه طباطبایی ذیل آیه ۷ سورة آل عمران، صریحاً جری را تعیین مصداق آیه می‌داند و می‌نویسد: «اینکه در روایت آمده، قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد، هم تأویل و هم تنزیل را شامل می‌شود. در مرحله تنزیل، منطبق بر همان اصطلاحی است که در اخبار با عنوان جری آمده که بر انطباق معنای کلام بر مصداق آن دلالت دارد؛ مانند انطباق آیه شریفه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»<sup>۲۲</sup> بر همه مؤمنان متأخر از زمان نزول آیه که این خود، نوعی از انطباق است و نوع دیگری که دقیق‌تر از آن است، انطباق آیات جهاد بر جهاد نفس و انطباق آیات منافقان بر فاسقان از مؤمنان است و نوع سوم آن که باز از نوع دوم دقیق‌تر است، انطباق آیات منافقان و آیات مربوط به گنهکاران بر اهل مراقبت و اهل ذکر و حضور قلب است که اگر احیاناً در مراقبت و ذکر و حضورشان کوتاهی یا سهل‌انگاری کنند، در حقیقت نوعی نفاق و گناه مرتکب شده‌اند و نوع چهارم که از همه انواع انطباق دقیق‌تر است، انطباق همان آیات منافقان و گنهکاران است بر اهل مراقبت و ذکر و حضور، در قصور ذاتیشان از ادای حق ربوبیت.<sup>۲۳</sup>»

دقت در مثال‌های فوق نشان می‌دهد که مراد علامه از مصداق، «ما ينطبق عليه المفهوم» است که هم شامل مصداق عینی خارجی و هم شامل مفاهیم فراگیری می‌شود که مفاهیم دیگری را در بر می‌گیرد. همچنین، هم‌نشینی تعبیر «من قبیل الجری» با تعابیری مانند «التطبیق» و «الإنطباق» در تفسیر المیزان نشان می‌دهد که از نظر ایشان، جری عبارت است از تطبیق دادن آیه بر مصادیق آن.<sup>۲۴</sup>

بنابراین، «جری» به معنای جریان داشتن قرآن است که از لوازم این جریان آن است که بر مصادیق جدیدی غیر از مورد و شأن نزول آیه تطبیق می‌کند؛ خواه این مصادیق از مصادیق معنای ظاهری آیه باشند و خواه از مصادیق معنای باطنی آن.

۲۰. طباطبایی، المیزان، ۶۷/۳.

۲۱. نک: طباطبایی، قرآن در اسلام، ۷۱.

۲۲. توبه: ۱۲۰.

۲۳. طباطبایی، المیزان، ۷۲/۳.

۲۴. برای مشاهده فهرست این موارد در تفسیر المیزان: نک: نفیسی، «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی»، ۹ تا ۸.

### ۳. انواع جری و تطبیق در المیزان

همان‌طور که گفتیم، از دیدگاه علامه طباطبایی، جری به معنای جریان داشتن قرآن است که از لوازم این جریان آن است که بر مصادیق جدیدی غیر از مورد و شأن نزول آیه تطبیق می‌کند؛ خواه این مصادیق از مصادیق معنای ظاهری آیه باشند و خواه از مصادیق معنای باطنی آن. از آنجاکه اکثر آیات قرآن دارای سبب یا مورد نزول نیستند یا اگر داراست، روایات سبب نزول آن‌ها به دست ما نرسیده است؛ بنابراین اکثر آیات قرآن به صورت اطلاقات یا عموماتی است که بر مصادیق تطبیق می‌شود. بنابراین، وقتی آیه نازل می‌شود، هم بر مصادیق ظاهری و باطنی که در زمان نزول آیه موجودند و هم بر مصادیق ظاهری و باطنی که پس از زمان نزول آیه موجود خواهند شد (مصادیق در گذر زمان)، تطبیق می‌شود؛ زیرا مفاد آیه مانند خورشید و ماه جریان پیدا می‌کند و بر مصادیق منطبق می‌شود. علامه طباطبایی بر همه مصادیق یادشده، جری و تطبیق اطلاق کرده است که در ادامه، نمونه‌های آن‌ها ذکر خواهد شد.

علامه طباطبایی ذیل مباحث روایی تفسیر المیزان، بیش از صدبار از اصطلاح جری استفاده کرده است. با تأمل در موارد کاربرد این اصطلاح مشخص شد که می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: ا. مصادیق آیه در زمان نزول؛ ب. مصادیق آیه در گذر زمان. هر یک از دو دسته کلی یادشده، خود به سه گونه تقسیم می‌شوند که به ترتیب عبارت‌اند از: مصداق باطنی آیه در زمان نزول، مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول، مصداق اتم اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، مصداق باطنی آیه در گذر زمان، مصداق اتم اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، مصداق اتم اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، علامه بر معنای باطنی آیه نیز جری و تطبیق اطلاق کرده است. بنابراین، گونه‌های جری و تطبیق در المیزان، هفت نوع است که در ادامه مطرح می‌کنیم.

#### ۳.۱. مصادیق آیه در زمان نزول

منظور از مصادیق آیه در زمان نزول، مصادیقی از مفاد آیه است که این مصادیق در زمان نزول آیه موجود بوده‌اند. البته معمولاً برای آیه مصادیقی در گذر زمان وجود دارد که مشابه مصادیق آیه در زمان نزول است؛ اما گاهی ممکن است این مصادیق فقط در زمان نزول باشند و در گذر زمان، مشابه نداشته باشند. مصادیق آیه در زمان نزول، خود به سه گونه تقسیم می‌شوند که در ادامه، به ذکر آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۳.۱.۱. مصداق باطنی آیه در زمان نزول

مراد از مصداق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیات عینی به لحاظ معنای باطنی آیات است. منظور از مصداق باطنی آیه در زمان نزول، مصادیق باطنی مفاد آیه است که در زمان نزول آیه موجود بوده‌اند. علامه طباطبایی، روایاتی را که به بیان مصداق باطنی آیه در زمان نزول پرداخته است، از باب جری و تطبیق

می‌داند. به ذکر نمونه‌هایی از این گونه روایات در تفسیر المیزان می‌پردازیم.

یک: علامه طباطبایی ذیل آیه «وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۲۵</sup> می‌نویسد: «در بعضی روایات آمده است که مراد از نور، علی(ع) است که این روایات، از قبیل جری یا باطن هستند.»<sup>۲۶</sup> باتوجه به اینکه معنای ظاهری نور در آیه ۱۵۷ سوره اعراف، قرآن است؛ لذا امام علی(ع) مصداق باطنی آن به شمار می‌رود.

دو: در روایتی از امام صادق(ع) درباره آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»<sup>۲۷</sup> نقل شده است که آن حضرت فرمود: «صراط مستقیم، امیر مؤمنان(ع) است.»<sup>۲۸</sup> علامه طباطبایی پس از نقل روایت یادشده و روایاتی مشابه آن می‌نویسد: «این روایات، از باب جری و ذکر مصداق برای آیه است.»<sup>۲۹</sup> عبارت «صراط مستقیم» در آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، به معنای راه معنوی است و یک انسان نمی‌تواند به‌عنوان مصداق راه معنوی باشد، اما در روایت یادشده از یک انسان؛ یعنی امام علی(ع) به‌عنوان مصداق صراط مستقیم نام برده شده است، لذا این مصداق از نوع مصداق باطنی آیه به شمار می‌رود.

سه: ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يُلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ»<sup>۳۰</sup> روایاتی وارد شده است که طبق برخی از آن‌ها این آیه درباره کسانی است که ولایت امام علی(ع) را کتمان می‌کنند.<sup>۳۱</sup> علامه هنگامی که این روایات را نقل می‌کند، آن‌ها را از باب جری و تطبیق می‌داند.<sup>۳۲</sup> این گونه جری و تطبیق پس از آن است که از آیه یادشده، الغای خصوصیت شود و معنایی فراگیر از آن اتخاذ شود. آن معنای فراگیر این است که هرگاه فردی درصدد پنهان کردن حقیقتی برآید که خداوند، مستقیم یا غیرمستقیم آن را روشن‌گر و هدایت‌گر بشر معرفی کرده است، مورد لعن خداوند و لعنت‌کنندگان خواهد بود.<sup>۳۳</sup> کسانی که ولایت امام علی(ع) را کتمان می‌کنند از مصادیق این معنای فراگیرند.

چهار: درباره آیه «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ

۲۵. اعراف: ۱۵۷.

۲۶. طباطبایی، المیزان، ۲۹۰/۸.

۲۷. حمد: ۶.

۲۸. ابن‌بابویه، معانی الأخیار، ۳۲.

۲۹. طباطبایی، المیزان، ۴۱/۱.

۳۰. بقره: ۱۵۹.

۳۱. نک: عیاشی، تفسیر العیاشی، ۷۱/۱.

۳۲. طباطبایی، المیزان، ۳۸۸/۱.

۳۳. نک: طبرسی، مجمع البیان، ۲۶/۲.



مِنْهُمْ لَعَلَّمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»<sup>۳۴</sup> دو روایت نقل شده است که در یکی، منظور از فضل الله، پیامبر (ص) و مراد از رحمت، امیر مؤمنان (ع) است و در دیگری، منظور از فضل الله، امیر مؤمنان (ع) و مراد از رحمت، پیامبر (ص) است.<sup>۳۵</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این روایات می‌گوید: «این روایات از باب جری هستند.»<sup>۳۶</sup> روشن است که در آیه مذکور، پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع)، مصداق باطنی فضل و رحمت خداوند به شمار می‌روند.

پنج: از امام صادق (ع) درباره آیه «وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ»<sup>۳۷</sup> روایت شده که فرمود: «مقصود از نحل، ما هستیم که خدا بدان وحی کرده و مراد از «أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا»، امر به ماست که از عرب برای خود شیعه بگیریم و منظور از «من الشجر» این است که از عجم نیز شیعه بگیریم و مقصود از «وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ» آن است که از بردگان هم شیعه بگیریم و مقصود از شرابی که از شکم زنبور بیرون می‌آید و دارای الوان مختلفی است، علمی است که از ما به سوی شما ترشح می‌شود.»<sup>۳۸</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این روایت می‌نویسد: «در این معنا، روایات دیگری نیز هست و همه این‌ها از باب جری است. شاهدش این است که در بعضی از این روایات، زنبور بر رسول خدا (ص)، جبال بر قریش، شجر بر عرب، مِمَّا يَعْرِشُونَ بر بردگان و آنچه از شکم زنبور بیرون می‌آید بر علم تطبیق شده است.»<sup>۳۹</sup> بدیهی است که موارد مذکور در این روایات، از مصادیق باطنی آیه یادشده به شمار می‌روند.

### ۳. ۱. ۲. مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول

در بسیاری از آیات قرآن کریم، واژه‌ها یا عباراتی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصادیق فراوانی تطبیق می‌کنند. در روایاتی که ذیل این گونه از آیات نقل شده است، به بیان مصداق عموم یا اطلاق آیه پرداخته شده است. لازم به ذکر است که مصداق عموم یا اطلاق آیه، با مصداق باطنی آیه متفاوت است؛ زیرا مصداق عموم یا اطلاق آیه، در حقیقت، از اطلاق یا عموم معنای ظاهری آیه اتخاذ شده است، اما مصداق باطنی آیه، از معنای باطنی آیه استخراج شده است. همچنین مصداق عموم یا اطلاق آیه، برای غیر معصوم نیز تشخیص‌دانی است، اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر

۳۴. نساء: ۸۳.

۳۵. نک: عیاشی، تفسیر العیاشی، ۲۶۱/۱.

۳۶. طباطبایی، المیزان، ۲۷/۵.

۳۷. نحل: ۶۸.

۳۸. قمی، تفسیر القمی، ۳۸۷/۱.

۳۹. طباطبایی، المیزان، ۳۰۸/۱۲.

فرض، غیر معصوم چنین مصادیقی را بیان کند، حجیت ندارد.<sup>۴۰</sup>

منظور از مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول این است که مصداق اطلاق یا عموم آیه، در زمان نزول آیه موجود بوده است؛ اگرچه ممکن است در دوران‌های پس از زمان نزول آیه، مصادیقی در گذر زمان نیز به وجود آید که مشابه مصادیق آیه در زمان نزول باشند. در ادامه، به ذکر مواردی از این‌گونه جری و تطبیق در المیزان می‌پردازیم.

یک. در آیه «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا»<sup>۴۱</sup> و آیه: «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا»<sup>۴۲</sup>، عنوان «الباقیات الصالحات» آمده است. این عنوان، عام و فراگیر است و شامل همه کارهای شایسته می‌شود. در روایات، مصادیق متعددی برای باقیات صالحات شمرده شده است؛ مانند تسبیحات اربعه و نماز و مودت اهل بیت (ع).<sup>۴۳</sup> علامه طباطبایی پس از اشاره به این روایات می‌نویسد: «همه این روایات، از موارد جری و انطباق بر مصداق است.»<sup>۴۴</sup> روشن است که مصادیق مطرح‌شده در این روایات، از مصادیق عموم آیات یادشده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایات، از نوع مصداق عموم آیه به شمار می‌رود.

دو. از امام صادق (ع) درباره آیه «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحِ بَيْنِ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۴۵</sup> روایت شده که فرمود: «مراد از معروف، قرض است.»<sup>۴۶</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این روایت می‌گوید: «این روایت، از قبیل جری و ذکر برخی مصادیق است.»<sup>۴۷</sup> واژه معروف در آیه مذکور، مطلق است و هر کار نیکی را در بر می‌گیرد، اما در این روایت، بر مصداق قرض تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اطلاق آیه به شمار می‌رود.

سه. ذیل آیه «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»<sup>۴۸</sup> روایتی از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: «منظور از شَرِّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ، بنی‌الدَّار است که تنها دو نفر از این طایفه ایمان آوردند.»<sup>۴۹</sup>

۴۰. قهاری کرمانی، «ماهیت تاویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن»، ۷۸.

۴۱. کهف: ۴۶.

۴۲. مریم: ۷۶.

۴۳. نک: حویزی، تفسیر نور الثقلین، ۲۶۴/۳.

۴۴. طباطبایی، المیزان، ۳۱۹/۱۳.

۴۵. نساء: ۱۱۴.

۴۶. کلینی، الکافی، ۳۴/۴.

۴۷. طباطبایی، المیزان، ۹۴/۵.

۴۸. انفال: ۲۲.

۴۹. نک: طبرسی، مجمع البیان، ۸۱۸/۴.

علامه طباطبایی، پس از نقل این روایت می‌نویسد: «آیه عام بوده و روایت، از قبیل جری و انطباق است.»<sup>۵۰</sup> عنوان «شَرَّ الدَّوَابِّ» مطلق است، ولی در روایت مذکور، بر یک طایفه تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اطلاق آیه به شمار می‌رود.

چهار. از امام علی(ع) درباره آیه «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۵۱</sup> روایت شده که فرمود: «من آن مردی هستم که تسلیم رسول خدا(ص) است.»<sup>۵۲</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این روایت می‌گوید: «ضرب‌المثل مطرح شده در آیه، عام بوده و این روایت از باب جری است.»<sup>۵۳</sup> عبارت «رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ» در آیه مذکور مطلق است، اما در روایت فوق بر امام علی(ع) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اطلاق آیه به شمار می‌رود.

پنج. درباره آیه «وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ»<sup>۵۴</sup>، از امام علی(ع) روایت شده که فرمود: «منظور از الَّذِينَ أَضَلَّانَا، ابلیس و قابیل است.»<sup>۵۵</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این روایت می‌گوید: «آیه عام است؛ لذا شاید این روایت، نوعی از جری باشد.»<sup>۵۶</sup> عبارت «الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ» در آیه مذکور، عام است، اما در روایت مذکور، بر ابلیس و قابیل تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق عموم آیه به شمار می‌رود.

### ۳. ۱. ۳. مصداق اتم اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول

در بسیاری از آیات قرآن کریم، واژه‌ها یا عباراتی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصداق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات متعددی که ذیل این گونه از آیات نقل شده است، به بیان مصداق اتم و اکمل عموم یا اطلاق آیه پرداخته شده است. منظور از مصداق اتم این است که مصداق اطلاق یا عموم آیه، معصوم یا دشمن معصوم باشد. در ادامه، به ذکر مواردی از این گونه جری و تطبیق در المیزان می‌پردازیم. یک. درباره آیه «وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»<sup>۵۷</sup> از ابن عباس چنین روایت

۵۰. طباطبایی، المیزان، ۶۱/۹.

۵۱. زمر: ۲۹.

۵۲. طبرسی، مجمع البیان، ۷۷۵/۸.

۵۳. طباطبایی، المیزان، ۲۶۳/۱۷.

۵۴. فصلت: ۲۹.

۵۵. طبرسی، مجمع البیان، ۱۷/۹.

۵۶. طباطبایی، المیزان، ۳۹۴/۱۷.

۵۷. زمر: ۳۳.

شده است: «منظور از الَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ، محمد(ص) و مراد از صَدَقَ بِهِ، علی بن ابی طالب(ع) است.»<sup>۵۸</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می نویسد: «با عنایت به اینکه، ذیل آیه می فرماید: أَوْلَيْكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ، بنابراین ظاهراً این روایت از قبیل جری است.»<sup>۵۹</sup> عبارت «الَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَ صَدَقَ بِهِ» عام است، اما در روایت فوق بر پیامبر(ص) و امام علی(ع) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اتم عموم آیه به شمار می رود.

دو. از امام صادق(ع) درباره آیات: «وَسَيَجْزِيهَا الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى»<sup>۶۰</sup> روایت شده که فرمود: «آیه «وَسَيَجْزِيهَا الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى»، درباره رسول خدا(ص) است و هر که از او پیروی کند و آیه «الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى»، درباره امیر مؤمنان(ع) است؛ زیرا درباره آن حضرت در آیه دیگری فرموده است: «وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ.» آیه «وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى»، درباره رسول خدا(ص) است؛ زیرا هیچ کس به آن حضرت نعمتی نداده تا جزای آن را از او طلبکار باشد، بلکه نعمت آن حضرت است که بر همه خلایق جاری است.»<sup>۶۱</sup> علامه طباطبایی، پس از نقل این حدیث می نویسد: «این روایت با صرف نظر از ضعف سندش، از قبیل جری و تطبیق است.»<sup>۶۲</sup> آیات یادشده، عام یا مطلق است، اما در روایت فوق بر پیامبر(ص) و امام علی(ع) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اتم عموم و اطلاق آیه به شمار می رود.

سه. از امام علی(ع) درباره آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۶۳</sup> روایت شده که فرمود: «منظور از وسیله، من هستم.»<sup>۶۴</sup> علامه طباطبایی، این حدیث را از قبیل جری و انطباق بر مصداق دانسته است.<sup>۶۵</sup> واژه «الوسيلة» در آیه یادشده، مطلق و فراگیر است؛ زیرا این واژه به معنای رساندن خود به چیزی با میل و رغبت است<sup>۶۶</sup> اما در روایت فوق، بر امام علی(ع) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اتم اطلاق آیه به شمار می رود.

چهار. از امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) درباره آیه «بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَ أَحَاطَتْ بِهِ خَاطِبَةُ فَأُولَئِكَ

۵۷. طبرسی، مجمع البیان، ۷۷۷/۸.

۵۸. طباطبایی، المیزان، ۲۶۴/۱۷.

۵۹. لیل: ۱۹ تا ۱۷.

۶۰. بحرانی، البرهان، ۶۸۰/۵.

۶۱. طباطبایی، المیزان، ۳۰۸/۲۰.

۶۲. مانند: ۳۵.

۶۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب(ع)، ۷۵/۳.

۶۴. نک: طباطبایی، المیزان، ۳۳۳/۵.

۶۵. راغب اصفهانی، المفردات، ۸۷۱.

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>۶۷</sup> روایت شده که منظور از «سینه»، انکار امامت امیر مؤمنان (ع) است.<sup>۶۸</sup> علامه طباطبایی، این حدیث را از قبیل جری و تطبیق بر مصداق دانسته است.<sup>۶۹</sup> واژه «سینه» در آیه یادشده، مطلق و فراگیر است؛ اما در روایت فوق، بر انکار امامت امیر مؤمنان (ع) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه به شمار می‌رود.

پنج. از امام باقر (ع) درباره آیه «لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً»،<sup>۷۰</sup> روایت شده که منظور از «ما أَنْزَلَ إِلَيْكَ» آنچه درباره علی (ع) نازل شده، می‌باشد.<sup>۷۱</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «این روایت از قبیل جری و تطبیق است.»<sup>۷۲</sup> عبارت «ما أَنْزَلَ إِلَيْكَ» در آیه یادشده، مطلق و فراگیر است؛ اما در روایت فوق بر آیاتی تطبیق شده است که درباره امام علی (ع) نازل شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه به شمار می‌رود.

### ۳. ۲. مصادیق آیه در گذر زمان

منظور از مصادیق آیه در گذر زمان، مصادیقی از آیات است که در زمان نزول آیه، وجود خارجی نداشتند؛ بلکه در دوران‌های پس از نزول آیه ایجاد شده‌اند. این مصادیق، خود به سه‌گونه تقسیم می‌شوند که در ادامه به شرح آن‌ها خواهیم پرداخت.

### ۳. ۲. ۱. مصداق باطنی آیه در گذر زمان

در بسیاری از روایات، به بیان مصداق باطنی آیه در گذر زمان پرداخته شده است. مراد از مصداق باطنی آیات در گذر زمان، امور خارجی و واقعیات عینی به لحاظ معنای باطنی آیات است که در زمان نزول آیه موجود نبوده و بعداً موجود شده‌اند. علامه طباطبایی در موارد متعددی، از این‌گونه از مصادیق، تحت‌عنوان جری و تطبیق یاد کرده است که در ادامه به ذکر چند نمونه می‌پردازیم.

یک. از امام باقر (ع) درباره آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۷۳</sup> یا آیه «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۷۴</sup> سؤال

۶۶. بقره: ۸۱.

۶۷. نک: کلینی، الکافی، ۴۲۹/۱.

۶۸. نک: طباطبایی، المیزان، ۳۳۳/۵.

۶۹. نساء: ۱۶۶.

۷۰. نک: عیاشی، تفسیر العیاشی، ۲۸۵/۱.

۷۱. طباطبایی، المیزان، ۱۴۶/۵.

۷۲. نحل: ۴۳.

۷۳. انبیاء: ۷.

شد که مراد از اهل الذکر کیست؟ حضرت فرمود: «مراد ما هستیم که مسئول و سائل هستیم و باید از ما پرسش شود.»<sup>۷۵</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «این روایت، از باب جری است.»<sup>۷۶</sup> این در حالی است که مراد از اهل الذکر در آیات مذکور، اهل کتاب هستند؛ اما در این روایت، از این آیات، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و معنای کلی و باطنی مراجعه جاهل به عالم و اهل خبره اتخاذ شده و سپس بر مصداق باطنی اهل خبره در گذر زمان، یعنی ائمه (ع) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

دو. از امام علی (ع) درباره آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»<sup>۷۷</sup> روایتی نقل شده که آن حضرت، «مِشْكَاةٍ» را به پیامبر (ص)، «مِصْبَاحٌ» را به خودش، «زُجَاجَةُ الزُّجَاجَةُ» را به امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، «كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» را به امام سجاده (ع)، «شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ» را به امام باقر (ع)، «زَيْتُونَةٍ» را به امام صادق (ع)، «لَا شَرْقِيَّةٍ» را به امام کاظم (ع)، «لَا غَرْبِيَّةٍ» را به امام رضا (ع)، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» را به امام جواد (ع)، «لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ» را به امام هادی (ع)، «نُورٌ عَلَى نُورٍ» را به امام عسکری (ع) و «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» را به امام مهدی (ع) معنا کرده است.<sup>۷۸</sup> علامه طباطبایی درباره این موضوع می‌نویسد: «روایات متعددی از طریق شیعه وارد شده که مفردات آیه نور را بر اهل بیت (ع) تطبیق می‌کند. این روایات از باب تطبیق است، نه تفسیر.»<sup>۷۹</sup> روشن است که آنچه در روایت مطرح شده است، همگی از مصادیق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌روند.

سه. از امام صادق (ع) درباره آیه «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»<sup>۸۰</sup> روایت شده که فرمود: «گردن‌های بنی‌امیه با آمدن صبحه‌ای آسمانی به نام صاحب‌الأمر، نرم و خاضع می‌شود.»<sup>۸۱</sup> علامه طباطبایی این حدیث را از قبیل جری دانسته است.<sup>۸۲</sup> معنای ظاهری آیه مذکور درباره مشرکان مکه است؛ اما در حدیث فوق، بر بنی‌امیه تطبیق شده است که از مصادیق باطنی آیه در گذر زمان

۷۳. قمی، تفسیر القمی، ۶۸/۲.

۷۴. طباطبایی، المیزان، ۲۵۷/۱۴.

۷۵. نور: ۳۵.

۷۶. نک: بحرانی، البرهان، ۷۲/۴.

۷۷. طباطبایی، المیزان، ۱۴۱/۱۵.

۷۸. شعراء: ۴.

۷۹. قمی، تفسیر القمی، ۱۲۹/۲.

۸۰. نک: طباطبایی، المیزان، ۲۵۴/۱۵.

است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود. چهار. از امام صادق (ع) درباره آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِئُ لِلنَّاسِ وَالْحَجَّ وَ لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»<sup>۸۳</sup> روایت شده که فرمود: «اوصیا، همان درهای خدای عزوجل هستند که از آن‌ها به حضرت او توجه می‌شود. اگر آنان نبودند، خداوند عزوجل شناخته نمی‌شد. خدا به وسیله آنان بر خلق خود اتمام حجت کرده است.»<sup>۸۴</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «این روایت از باب جری و بیان مصداقی از مصادیق آیه است.»<sup>۸۵</sup> در حدیث فوق، ابتدا از آیه یاد شده، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و معنای کلی و باطنی انجام هر کاری از راه خودش استخراج شده و سپس بر مصادیق باطنی آن، یعنی ائمه (ع) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

پنج. از امام باقر (ع) درباره آیه «وَ أَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»<sup>۸۶</sup> روایت شده که فرمود: «منظور از سبیل، ما هستیم.»<sup>۸۷</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «این روایت، از باب جری است.»<sup>۸۸</sup> واژه «سبیل» در آیه یاد شده، به معنای راه معنوی است و یک انسان نمی‌تواند به عنوان مصداق راه معنوی باشد؛ اما در روایت یاد شده از انسان‌هایی، یعنی ائمه (ع) به عنوان مصادیق سبیل نام برده شده است، لذا این مصادیق، از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌روند.

### ۳. ۲. ۲. مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان

منظور از مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، مصادیقی از معنای ظاهری آیه است که در زمان نزول آیه موجود نبوده، بلکه در دوران پس از نزول آیه محقق می‌شوند. به دیگر سخن، قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و معنای مطلق یا عام آیاتش بر مصادیق جدید در گذر زمان تطبیق می‌یابد. علامه طباطبایی در موارد متعددی از این گونه از مصادیق، تحت عنوان جری و تطبیق یاد کرده است که در اینجا چند نمونه را ذکر می‌کنیم.

یک. در روایت نبوی، آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْرِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ

۸۱. بقره: ۱۸۹.

۸۲. کلینی، الکافی، ۱/۱۹۳.

۸۳. طباطبایی، المیزان، ۵۹/۲.

۸۴. انعام: ۱۵۳.

۸۵. قمی، تفسیر القمی، ۶۸/۲.

۸۶. طباطبایی، المیزان، ۳۸۵/۷.

إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۸۹</sup> به کسانی که در آینده خواهند آمد و به اسلام و قرآن ایمان خواهند آورد، معنا شده است.<sup>۹۰</sup> علامه طباطبایی می‌نویسد: «اشکالی بر روایت وارد نیست و این روایت، از قبیل جری و انطباق است.»<sup>۹۱</sup> عبارت «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ» در آیه یادشده مطلق است؛ ولی در حدیث فوق بر کسانی که در آینده خواهند آمد و به اسلام و قرآن ایمان خواهند آورد، تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

دو. ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا»<sup>۹۲</sup> از امام صادق (ع) روایت شده که این آیه درباره ابوذر، سلمان فارسی، مقداد و عمار یاسر نازل شده است.<sup>۹۳</sup> علامه طباطبایی در توضیح این روایت می‌گوید: «این روایت از باب جری است یا اینکه آیه درباره مؤمنان واقعی نازل شده است و چهار نفر یادشده در روایت، از روشن‌ترین مصداق آیه هستند. البته سوره کهف، مکی است؛ ولی سلمان، از جمله کسانی است که در مدینه به پیامبر (ص) ایمان آوردند.»<sup>۹۴</sup> واضح است که سلمان فارسی از مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

سه. از رسول خدا (ص) درباره آیه «وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ»<sup>۹۵</sup> روایت شده که منظور از إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ، امام علی (ع) و شیعیانش است.<sup>۹۶</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «این روایت نبوی، از باب جری و انطباق است.»<sup>۹۷</sup> واژه «إِخْوَانًا» در آیه محل بحث، مطلق است و شیعیان امام علی (ع) از مصداق اطلاق آن در گذر زمان محسوب می‌شوند. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

چهار. از امام صادق (ع) درباره آیه «وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۹۸</sup> سؤال شد، حضرت در پاسخ فرمود: «فلان بن فلان انصاری (و اسمش را برد) زراعتی داشت وقتی حاصلش

۸۷. اعراف: ۱۵۷.

۸۸. نک: بحرانی، البرهان، ۵۹۵/۲.

۸۹. طباطبایی، المیزان، ۲۹۰/۸.

۹۰. کهف: ۱۰۷.

۹۱. نک: قمی، تفسیر القمی، ۴۶/۲.

۹۲. طباطبایی، المیزان، ۴۰۲/۱۳.

۹۳. حجر: ۴۷.

۹۴. نک: استرآبادی، ۲۵۳.

۹۵. طباطبایی، المیزان، ۱۷۷/۱۲.

۹۶. انعام: ۱۴۱.



دست می‌آمد همه را صدقه می‌داد و برای خود و عیالش چیزی باقی نمی‌گذاشت، خدای تعالی این عمل را اسراف خواند.»<sup>۹۹</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «مراد امام (ع) این است که آیه شریفه، بر عمل آن شخص منطبق است، نه اینکه آیه در شأن او نازل شده؛ زیرا آیه شریفه مکی است و در آن روز، انصاری در میان نبود. بعید نیست که آن انصاری که امام (ع) اسم برده، ثابت بن قیس بن شماس باشد؛ چون طبری و دیگران نیز از ابن جریر نقل کرده‌اند که گفته است: آیه محل بحث درباره ثابت بن قیس بن شماس نازل شده است... داستان ثابت بن قیس نمی‌تواند شأن نزول آیه باشد، چون او مردی است مدنی و آیه شریفه، نزولش در مکه بوده است. آری، آیه، عمل وی را از باب جری و انطباق در بر می‌گیرد.»<sup>۱۰۰</sup> واژه «الْمُسْرِفِينَ» در آیه محل بحث، عام است؛ ولی در حدیث فوق بر ثابت بن قیس بن شماس تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

پنج. از امام صادق (ع) درباره آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»<sup>۱۰۱</sup> روایت شده که فرمود: «منظور کسی است که ایمان به قیام قائم (ع) داشته باشد و آن را حق بداند.»<sup>۱۰۲</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «این روایت، از باب جری است.»<sup>۱۰۳</sup> واژه «الْغَيْبِ» در آیه محل بحث مطلق است؛ ولی در حدیث فوق بر قیام قائم (ع) که مصداقی از غیب در گذر زمان است، تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

### ۳. ۲. ۳. مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان

در بسیاری از آیات قرآن کریم، واژه‌ها یا عباراتی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصداق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات متعدد نقل شده ذیل این گونه از آیات، به بیان مصداق اتمّ و اکمل عموم یا اطلاق آیه در گذر زمان پرداخته شده است. همان‌طور که قبلاً گفته شد منظور از مصداق اتمّ این است که مصداق اطلاق یا عموم آیه، معصوم یا دشمن معصوم باشد. در ادامه، به ذکر مواردی از این‌گونه جری و تطبیق در میزان می‌پردازیم.

یک. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که آن حضرت، آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ

۹۷. کلینی، الکافی، ۴/۵۵.

۹۸. طباطبایی، المیزان، ۳۶۹/۷.

۹۹. بقره: ۳.

۱۰۰. بحرانی، البرهان، ۱/۱۲۴.

۱۰۱. طباطبایی، المیزان، ۴۶/۱.

الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»<sup>۱۰۴</sup> را به ائمه (ع) معنا کرده است.<sup>۱۰۵</sup> علامه طباطبایی ذیل این روایت می‌نویسد: «این از باب جری، به معنای انطباق آیه بر اکمل مصادیق است.»<sup>۱۰۶</sup> عبارت «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» در آیه محل بحث، مطلق است؛ ولی در حدیث فوق بر ائمه (ع) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

دو. ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا يَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا»<sup>۱۰۷</sup> از امام صادق (ع) این‌گونه روایت شده است: «کسانی که کافر شدند و به خاندان محمد (ص) ستم کردند، هرگز خدا آن‌ها را نخواهد بخشید و آنان را به هیچ راهی هدایت نخواهد کرد.»<sup>۱۰۸</sup> علامه طباطبایی این روایت را از موارد جری و تطبیق می‌داند.<sup>۱۰۹</sup> عبارت «الَّذِينَ ظَلَمُوا» در آیه محل بحث، مطلق است؛ ولی در حدیث فوق بر ظالمان بر خاندان محمد (ص) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

سه. از امام صادق (ع) درباره آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»<sup>۱۱۰</sup> روایت شده که فرمود: «ما، آن شافعان هستیم.»<sup>۱۱۱</sup> علامه طباطبایی ذیل این حدیث می‌نویسد: «این روایت، از موارد جری است.»<sup>۱۱۲</sup> عبارت «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ» در آیه محل بحث، مطلق است؛ ولی در حدیث فوق بر ائمه (ع) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

چهار. ذیل آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكَشِفُ السُّوءَ»<sup>۱۱۳</sup> از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «این آیه درباره قائم از آل محمد (ع) نازل شده است. به خدا سوگند که او همان مضطر است.»<sup>۱۱۴</sup> علامه طباطبایی ذیل این حدیث می‌نویسد: «آیه عام است و این روایت، از باب جری است.»<sup>۱۱۵</sup> واژه «الْمُضْطَرَّ» در آیه محل بحث مطلق است؛ ولی در حدیث فوق، بر حضرت قائم (ع) تطبیق شده است.

۱۰۲. عنکبوت: ۴۹.

۱۰۳. نک: کلینی، الکافی، ۲۱۴/۱.

۱۰۴. طباطبایی، المیزان، ۱۴۲/۱۶.

۱۰۵. نساء: ۱۶۸.

۱۰۶. قمی، تفسیر القمی، ۱۵۹/۱.

۱۰۷. نک: طباطبایی، المیزان، ۱۱۳/۱۲.

۱۰۸. بقره: ۲۵۵.

۱۰۹. برقی، المحاسن، ۱۸۳/۱.

۱۱۰. طباطبایی، المیزان، ۳۴۱/۲.

۱۱۱. نمل: ۶۲.

۱۱۲. قمی، تفسیر القمی، ۱۲۹/۲.

۱۱۳. طباطبایی، المیزان، ۳۹۱/۱۵.

بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود. پنج. از علی بن ابراهیم قمی درباره آیه «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ»<sup>۱۱۶</sup> چنین روایت شده است: «منظور از آن‌ها، خاندان محمد(ص) است.»<sup>۱۱۷</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «این روایت، از باب جری و انطباق است.»<sup>۱۱۸</sup> عبارت «عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ» در آیه محل بحث، مطلق است؛ ولی در حدیث فوق، بر خاندان محمد(ص) تطبیق شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

### ۳.۳. معنای باطنی آیه

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که آیات قرآن علاوه بر معنای ظاهری، از معنای باطنی برخوردار است. اصل وجود باطن برای قرآن، مورد اتفاق خاصه و عامه است و روایات فراوانی که به تواتر معنوی رسیده است، بر آن دلالت دارد.<sup>۱۱۹</sup> در تفسیر المیزان، در مواردی بر معنای باطنی آیه نیز اطلاق جری و تطبیق شده است که در ادامه، به چند مورد اشاره خواهد شد.

یک. از امام باقر(ع) درباره آیه «أَوْ مَن كَانَ مِيثًا فَآخِيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا»<sup>۱۲۰</sup> روایت شده که فرمود: «مقصود از نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ؛ امامی است که به او اقتدا کند و مقصود از كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا؛ آن کسی است که امام خود را نشانسد.»<sup>۱۲۱</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «این روایت، از باب جری و انطباق است.»<sup>۱۲۲</sup> وی، در ادامه می‌گوید: «مقصود از نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ، هدایت به سوی قول حق و عمل صالح است.»<sup>۱۲۳</sup> ولی در حدیث فوق، به امامی که به او اقتدا شود، معنا شده است. بنابراین، جری و تطبیق در این روایت، از نوع معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

دو. از امام صادق(ع) درباره آیه «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ»<sup>۱۲۴</sup> روایت شده که فرمود: «منظور از الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ، ولایت علی(ع) است.»<sup>۱۲۵</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این

۱۱۴. نمل: ۵۹.

۱۱۵. قمی، تفسیر القمی، ۱۲۹/۲.

۱۱۶. طباطبایی، المیزان، ۳۹۱/۱۵.

۱۱۷. نک: شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ۹۱ تا ۸۷.

۱۱۸. انعام: ۱۲۲.

۱۱۹. کلینی، الکافی، ۱۸۵/۱.

۱۲۰. طباطبایی، المیزان، ۳۴۸/۷.

۱۲۱. طباطبایی، المیزان، ۱۲۱.

۱۲۲. کهف: ۲۹.

۱۲۳. قمی، تفسیر القمی، ۳۵/۲.

حدیث می‌نویسد: «این روایت، از باب جری است.»<sup>۱۲۶</sup> روشن است که این جری از نوع معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

سه. ذیل آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ»<sup>۱۲۷</sup> از امام باقر(ع) چنین روایت شده است: «منظور از یَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ، هدایت به سوی ولایت است.»<sup>۱۲۸</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «این روایت، از باب جری است.»<sup>۱۲۹</sup> واضح است که این جری از نوع معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

چهار. از امام کاظم(ع) درباره آیه «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ»<sup>۱۳۰</sup> روایت شده که فرمود: «خداوند، انبیا را بر نبوت آفریده و آنان جز نبی نتوانند بود و مؤمنان را هم بر ایمان آفریده، آنان نیز جز مؤمن نتوانند بود، به مردمی دیگر ایمان را به عاریت داده که اگر خواست تا به آخر برای ایشان باقی می‌گذارد و اگر نخواست از آنان می‌ستاند و در این باره است که می‌فرماید: فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ. آن گاه فرمود: ایمان فلانی مستودع بود که خداوند وقتی دید که به ما دروغ بست، از او بازگرفت.»<sup>۱۳۱</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: «روایات بسیاری در تفسیر عیاشی و تفسیر قمی از ائمه(ع) نقل شده است مبنی بر اینکه، مراد از «مستقر» و «مستودع»، دو قسم ایمان است. روایت فوق می‌فهماند که تفسیر مستقر و مستودع به این دو قسم ایمان، از باب جری و انطباق است.»<sup>۱۳۲</sup> وی، در تفسیر آیه یادشده چنین نگاشته است: «مراد از مستقر، آن افرادی است که دوران سیر در اصلاص را طی کرده و متولد شده و در زمین که به مقتضای آیه وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ<sup>۱۳۳</sup> قرارگاه نوع بشر است، مستقر گشته و مراد از مستودع، آن افرادی است که هنوز سیر در اصلاص را تمام نکرده و به دنیا نیامده و بعداً متولد خواهند شد.»<sup>۱۳۴</sup> بنابراین، واضح است که این جری و انطباق، از نوع معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

پنج. از امام صادق(ع) درباره آیه «فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْطَاعُوا لَهُ نَجْبًا»<sup>۱۳۵</sup> روایت شده که فرمود: «منظور تقيه است که اگر به تقيه عمل کنی، در حق تو نمی‌توانند هیچ حيله‌ای بکنند و خود، حصنی

۱۲۴. طباطبایی، المیزان، ۳۴۸/۷.

۱۲۵. اسراء: ۹.

۱۲۶. عیاشی، تفسیر العیاشی، ۲۸۳/۲.

۱۲۷. طباطبایی، المیزان، ۷۱/۱۳.

۱۲۸. انعام: ۹۸.

۱۲۹. کلینی، الکافی، ۴۱۸/۲.

۱۳۰. طباطبایی، المیزان، ۳۰۸/۷.

۱۳۱. بقره: ۳۶.

۱۳۲. طباطبایی، المیزان، ۲۸۸/۷.

۱۳۳. کهف: ۹۷.

حصین است و میان تو و اعدای خدا سدی محکم است که نمی‌تواند آن را سوراخ کند.»<sup>۱۳۶</sup> همچنین در روایت دیگری، آن حضرت آیه مذکور را به تقیه تفسیر فرموده است.<sup>۱۳۷</sup> علامه طباطبایی پس از نقل این دو حدیث می‌نویسد: «این دو روایت از باب جری است، نه تفسیر.»<sup>۱۳۸</sup> روشن است که این جری، از نوع معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

### نتیجه‌گیری

از تحلیل روایاتی که در تفسیر المیزان بر آن‌ها جری و تطبیق اطلاق شده است، این نتیجه حاصل شد که از دیدگاه علامه طباطبایی، هفت‌گونه جری و تطبیق وجود دارد. از منظر ایشان، جری و تطبیق به سه گونه کلی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: مصادیق آیات در زمان نزول؛ مصادیق آیات در گذر زمان؛ معنای باطنی آیات.

گونه اول به سه نوع دیگر تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: مصادیق معنای باطنی آیات در زمان نزول؛ مصادیق اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول؛ مصادیق اتم اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول. گونه دوم نیز به سه نوع دیگر تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: مصادیق باطنی آیات در گذر زمان؛ مصادیق اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان؛ مصادیق اتم اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان.

### منابع

قرآن کریم

DOI: 10.22051/tqh. 2017.8052.1095

ابن بابویه، محمدبن علی. معانی الأخبار. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. ۱۴۰۳ق.

ابن شهر آشوب، محمدبن علی. مناقب آل ابی طالب (ع). قم: انتشارات علامه. ۱۳۷۹ق.

ابن منظور، محمد. لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۸ق.

استرآبادی، علی. تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی. ۱۴۰۹ق.

بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: بعثه. ۱۴۱۵ق.

برقی، احمدبن محمدبن خالد. المحاسن. قم: دار الکتب الإسلامیة. ۱۳۷۱ق.

جوادی آملی، عبدالله. تسنیم. قم: اسراء. ۱۳۷۹.

جوهری، اسماعیل بن حماد. الصحاح. بیروت: دار العلم. ۱۴۰۷ق.

۱۳۴. عیاشی، تفسیر العیاشی، ۳۵۱/۲.

۱۳۵. نک: عیاشی، تفسیر العیاشی.

۱۳۶. طباطبایی، المیزان، ۳۷۷/۱۳.

- حویزی، عبدعلی بن جمعه. تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان. ۱۴۱۵ق.
- راد، علی، ابوالحسن مؤمن نژاد. «مبانی ادبی و زبان‌شناختی جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث. ش ۳۳، بهار ۱۳۹۶، ۷۹ تا ۵۷.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار العلم. ۱۴۱۲ق.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق»، اندیشه دینی. ش ۲۵، زمستان ۱۳۸۶، ۵۱ تا ۶۶.
- رضایی کرمانی، محمدعلی. «روش‌های به‌کارگیری قاعده جری و تطبیق در حوزه فهم قرآن»، پژوهش‌های قرآنی. ش ۸۰، پاییز ۱۳۹۵، ۲۷ تا ۴۴.
- سلیمی زارع، مصطفی. «جایگاه روایات جری و تطبیق در فرایند تفسیر قرآن»، پژوهش‌های قرآنی. ش ۷۳، بهار ۱۳۹۲، ۱۲۴ تا ۱۴۱.
- شاکر، محمدکاظم. روش‌های تأویل قرآن. قم: مؤسسه النشر الإسلامی. ۱۳۷۶.
- طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: اعلمی. ۱۳۹۰ق.
- \_\_\_\_\_ . قرآن در اسلام. تهران: دار الکتب الإسلامیة. ۱۳۵۳.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو. ۱۳۷۲.
- طریحی، فخرالدین. مجمع البحرین. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی. ۱۳۷۵.
- عیاشی، محمدبن مسعود. تفسیر العیاشی. تهران: مکتبه العلمیة الإسلامیة. ۱۳۸۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العین. قم: هجرت. ۱۴۱۰ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. تفسیر الصافی. تهران: صدر. ۱۴۱۵ق.
- قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. قم: دار الکتب. ۱۳۶۳.
- قهاری کرمانی، محمدهادی. «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی. ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۶۷ تا ۹۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة. ۱۴۰۷ق.
- لکزایی، صغری و زهرا قاسم نژاد. «جری و تطبیق در احادیث امام رضا (ع)»، بینات. ش ۸۶ و ۸۷، تابستان و پاییز ۱۳۹۴، ۱۸۵ تا ۱۹۴.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی. ۱۴۰۳ق.
- مسعودی صدر، هدیه. «کاربرد جری و تطبیق در تفسیر قرآن»، مطالعات قرآنی. ش ۳۴، تابستان ۱۳۹۷، ۱۵۳ تا ۱۷۵.
- مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۶۰.
- نصیری، علی. «جری و تطبیق در المیزان»، علوم و معارف قرآنی. ش ۲، تابستان ۱۳۷۵، ۷۸ تا ۹۶.
- \_\_\_\_\_ . رابطه متقابل کتاب و سنت. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه دینی. ۱۳۸۵.

نفیسی، شادی. «مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی»، قرآن‌شناخت. ش ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ۲۶ تا ۵.

\_\_\_\_\_ . علامه طباطبایی و حدیث. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۸۴.

نورایی، محسن. «بررسی قاعده تفسیری جری و تطبیق با تأکید بر به کارگیری آن در سیره معصومان (ع)»، آموزه‌های قرآنی. ش ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ۳۱ تا ۴۴.

هاشمی نسلجی، علی. معیارهای جری و تطبیق از نگاه علامه طباطبایی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۹۸.

یزدان‌پناه، یدالله. «جری و تطبیق، روش‌ها و مبانی آن»، حکمت عرفانی. ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ۳۲ تا ۷.

### Transliterated Bibliography

- 'Ayyāshī, Muḥammad ibn Mas'ūd. *Tafsīr al-'Ayyāshī*. Tehran: Maktaba al-'Ilmiyya al-Islāmiyya. 1961/1380.
- Bahrānī, Hashim ibn Sulaymān. *al-Burhān fī Tafsīr-i al-Qurān*. Qum: al-Ba'tha. 1995/1415.
- Barqī, Aḥmad ibn Muḥammad ibn Khālid. *al-Maḥsin*. Qum: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. 1993/1371.
- Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. *Kitāb al-'Ayn*. Qum: Hijrat. 1990/1410.
- Fayḍ Kāshānī, Muḥammad Muḥsin ibn Shāh Murtaẓā. *Tafsīr al-Ṣāfi*. Tehran: Ṣadr. 1994/1415.
- Hāshimī Nishlājī, 'Alī. *Mi'yār-hā-yi Jary va Taṭbīq az Dīdgāh-i 'Allāmah Ṭabāṭabā'ī*. Qum: Pazhūhishgāh-i 'Ulūm va Farhang-i Islāmī. 2020/1398.
- Hūwayzī, 'Abd 'Alī ibn Jum'ah. *Tafsīr Nūr al-Thaqalayn*. Qum: Ismā'īliyyān. 1994/1415.
- Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. *Ma'ānī al-Akhbār*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. 1983/1403.
- Ibn Manzūr, Muḥammad. *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Tūrāth al-'Arabī. 1988/1408.
- Ibn Shahrāshūb, Muḥammad ibn 'Alī. *Manāqib Āl Abī Ṭālib*. Qum: Intishārāt-i 'Allāmah. 1960/1379.
- Istarābādī, 'Alī. *Ta'wīl al-Āyāt al-Zāhira fī Faḍā'il al-'Atra al-Ṭāhira*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. 1989/1409.
- Javādi 'Āmilī, 'Abd Allah. *Tasnim*. Qum: Asrā'. 2001/1379.
- Jawhari, Ismā'īl ibn Ḥammād. *al-Shihāb*. Beirut: Dār al-'Ilm. 1987/1407.
- Kulīnī, Muḥammad ibn Ya'qūb. *al-Kāfi*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. 1987/1407.
- Lakzāyi, Ṣughrā va Zahrā Qāsimnizhād. "Jary va Taṭbīq dar Aḥādīṣ Imām Rizā (AS)", *Bayyināt* no. 86-87, summer va autumn 2016/1394, 185-194.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Biḥār al-Anwār*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Tūrāth al-'Arabī. 1983/1403.
- Mas'ūdi Ṣadr, Hadiyih. "Kārburd-i Jary va Taṭbīq dar Tafsīr-i Qurān", *Muṭālī'āt-i Qurānī*. no. 34, summer 2019/1397, 153-175.
- Muṣṭafavī, Ḥasan. *Al-Taḥqīq fī Kalamāt al-Qurān al-Karīm*. Tehran: Bungah-i Tarjamah va Nashr-i Kitāb. 1982/1360

- Nafisi, Shādi. "Mabāni Jary va Taṭbiq az Didgāh-i 'Allāmah Ṭabāṭabā'i", *Qurān Shinākht*. No. 12, autumn va winter 2014/1392, 5-26.
- Nafisi, Shādi. *Allāmah Ṭabāṭabā'i va Ḥadīth*. Tehran: Intishārāt-i 'Ilmī va Farhangī. 2006/1384.
- Naširi, 'Alī. "Jary va Taṭbiq dar al-Mizān", *Ulūm va Ma'ārif Qurānī*. no. 2, summer 1997/1375, 78-96.
- Naširi, 'Alī. *Rābiṭih-yi Mutaqābil Kitāb va Sunat*. Tehran: Intishārāt-i Pazhūshighāh-i Farhang va Andīshih-yi *Dīnī*. 2007/1385.
- Nūrāyi, Muḥsin. "Barrisī Qā'idah-yi Tafsīrī Jary va Taṭbiq bā Ta'kid bar bi Kārgīrī Ān dar Sirih-yi Ma'sūmān(AS)", *Amūzih-hā-yi Qurānī*. no. 14, autumn va winter 2012/1390, 31-44.
- Qahārī Kirmāni, Muḥammad Hādī. "Māhiyat Ta'vil-i Qurān dar Āyāt va Rivāyāt va Barrisī Didgāh-hā-yi Mashhūr bar Asās-i Ān", *Pazhūshnāmih-yi Ta'vilāt-i Qurānī*. no. 3, autumn and winter 2020/1398, 67-95.
- Qumī, 'Alī ibn Ibrāhīm. *Tafsīr al-Qumī*. Qum: Dār Kitāb. 1985/1363.
- Qurān-i Karīm*.
- Rād, 'Alī, Abū al-Ḥasan Mu'minnizhād. "Mabāni Adabi va Zabānshinakhti Jary va Taṭbiq dar Tafsīr-i Qurān", *Tahqiqāt-i Ulūm-i Qurān va Ḥadīth*. No. 33, Spring 2018/1396, 57-79.
- Rāghib Iṣfahāni, Ḥusayn ibn Muḥammad. *al-Mufradāt fi Gharīb al-Qurān*. Beirut: Dār al-'Ilm. 1992/1412.
- Rizāyi Iṣfahāni, Muḥammad 'Alī. "Tajalli Javidānagi Qurān dar Qā'idah-yi Jary va Taṭbiq", *Andīshih-yi Dīnī*. No. 25, winter 2008/1386, 51-66.
- Rizāyi Kirmāni, Muḥammad 'Alī. "Ravish-hā-yi bi Kārgīrī Qā'idah-yi Jary va Taṭbiq dar Ḥawzah-yi Fahm-i Qurān", *Pazhūshih-hā-yi Qurānī*. no. 80, autumn 2017/1395, 4-27.
- Salimī Zārī, Muṣṭafā. "Jāyghāh-i Rivāyāt Jary va Taṭbiq dar Farāyand-i Tafsīr-i Qurān", *Pazhūshih-hā-yi Qurānī*. no. 73, spring 2014/1392, 124-141.
- Shākib, Muḥammad Kāzim. *Ravish-hā-yi Ta'vil Qurān*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmi. 1998/1376.
- Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Majma' al-Bayān fi Tafsīr al-Qurān*. Tehran: Nāšir Khusrū. 1994/1372.
- Ṭabāṭabāyi, Muḥammad Ḥusayn. *al-Mizān fi Tafsīr al-Qurān*. Beirut: A'lamī. 1970/1390.
- Ṭabāṭabāyi, Muḥammad Ḥusayn. *Qurān dar Islām*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya, 1975/1353.
- Turayḥī, Fakhr al-Dīn. *Majma' al-Bahrayn*. Tehran: Kitābfurūshi Murtaẓavī. 1997/1375.
- Yazdānpanāh, Yad Allāh. "Jary va Taṭbiq, Ravish-hā va Mabāni Ān", *Hikmat-i 'Irfānī*. No. 4, autumn va winter 2013/1391, 7-32.